

# موسیقی

## مقامی

### ایران

■ به همت: بهمن بوستان، محمدرضا درویشی و برگرفته از مجموعه «هفت اورنگ» که به کوشش واحد موسیقی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد - با اندکی ویرایش و تلخیص

#### بخش اول: آذربایجان - بلوچستان - بوشهر - تربت جام - ترکمن صحرا

#### موسیقی آذربایجان

موسیقی آذری در دو شاخه اصلی قابل شناخت است:

##### ۱- موسیقی عاشقی ۲- موسیقی مقامی.

موسیقی مقامی از یک طرف ریشه در موسیقی عاشقی دارد و از طرفی پیوندی با ردیف موسیقی سنتی، موسیقی مقامی آذربایجان در هفت دستگاه سازمان یافته که شامل: شور، چهارگاه، سه گاه زابل، ماهور، راست پنجگاه، بیات شیراز (شامل دو بخش بیات شیراز و بیات اصفهان) و آخرین دستگاه نوا است. البته برخی مقامهای مستقل - از جمله قطار - نیز وجود دارد.

#### سازهای موسیقی آذربایجان

تار آذربایجانی: تعداد سیمها و نوع تواختن آن با تاری که در تهران نواخته می شود متفاوت است.

تار آذربایجانی ظاهراً حدود ۱۵۰ سال پیش به وسیله شخصی به نام «صادق جان اسد اوغلی» در منطقه قره باغ به وجود آمده و این تار با تغییراتی که در آن داده شده به شکل امروزی درآمده است. تار آذربایجانی دارای یازده سیم است که به ترتیب خاصی با حفظ فاصله چهارم درست کوك می شود. از این یازده سیم يك سیم باس و چهار سیم دیگر به نام چنگره یا سیم زنگ معروف است. روی تمامی سیمها مضراب زده می شود اعم از سیمهای اصلی، سیم باس و چهار سیم چنگره. اما انگشت گذاری تنها روی شش سیم اصلی - بجز باس - انجام می گیرد. تار آذربایجانی ۲۲ پرده دارد، که از این تعداد پنج پرده برای اجرای فواصل «ثلث پرده» است. وسعت تار آذربایجانی در

حدود دو اکتاو و نیم است که با سوار کردن سه پرده دیگر روی کاسه ساز این وسعت افزایش می یابد. این سه پرده به قسمی بسته می شود که قسمتی از پوست نقاره را اشغال می کند.

در باره موسیقی «عاشقی» نظرات متفاوتی وجود دارد که در مجموع، بهترین مفهوم آن عاشق به معنی مشتاق لقاء به «حق» است.

در قدیم به عاشقها «اوزان» می گفتند و ظاهراً کلمه عاشق از دوره صفویه مرسوم شده است. دوره ای که دوره رواج عاشقی بوده و عاشقها از احترام ویژه ای برخوردار بوده اند. در روایات شفاهی، قدیمترین عاشق آذربایجان را «دده قرقود» می نامند که احتمالاً هفت صد تا هشتصد سال پیش می زیسته است. از دیگر عاشقهای قدیمی آذربایجان می توان از عاشق العسگر («علی اصغر»، شاید) نام برد که در حدود ۱۵۰ سال پیش زندگی می کرده است. در فرهنگ موسیقی آذربایجان «عاشق» به کسی گفته می شود که ساز بزند، آواز بخواند و اشعار را فی البداهه بسراید و دارای صفات و خصایلی نیکو باشد. موسیقی اصیل عاشقی تنها با ساز «قوبوز» قابل اجرا است.

موسیقی عاشقی دارای سیصد «هاوا» یا نغمه بوده است. در حدود ده سال پیش کنگره ای در باکو تشکیل شد به نام «کنگره عاشقان». در این کنگره نغمه های مشابه را حذف کردند و ۱۸۰ «هاوا» را برگزیدند که مأخذ اجرایی عاشقها در آذربایجان است.

فواصل این نغمه ها بیشتر با ماهور، سه گاه و شور قابل مقایسه است. «هاوا»ها جملگی ریتمیک بوده و

دارای اندازه (متر) مشخصی هستند. در وسط هر «هاوا» گاه به قسمتهای برمی خوریم که بدون متر است. این بخشهای آزاد به مرور در حال فراموشی است.

اما در باب ساز عاشقی، سازی که عاشق با آن می نوازد. این ساز در قدیم دارای ۹ پرده بوده که به مرور دارای ۱۶، ۱۴ و ۲۰ پرده شده است. در حالی که بسیاری از عاشقهای قدیمی با سازهای ۹ پرده ای می نوازند، «عدالت نصیب اف» نوازنده بزرگ ساز عاشقی با ساز بیست پرده ای می نوازد. «عاشق ایمران حیدری» نیز با ساز بیست پرده ای برنامه اجرا می کند. این ساز دارای نه (۹) سیم است که سه تا سه تا کوك می شود. برای تغییر کوك فقط سیمهای ردیف وسط عوض می شود و در ردیف بیرونی همیشه ثابت هستند. اخیراً از سازهای دارای دوازده سیم نیز استفاده می شود. سیمهای این نوع سازها در سه دسته چهارتایی تنظیم می گردد.

#### عاشق های آذربایجان

«عاشقها» قدیمی ترین و اصیل ترین هنرمندان شمال خراسان هستند. عاشقها نوازندگان سازهایی چون سرنا، دهل، قمشه، کمانچه و دایره اند و همچنین از رقصندگان بزرگ شمال خراسانند. در قدیم تنها مردمی که از پرداخت مالیات معاف بودند، هنرمندان بوده اند. اعم از عاشقها، بخشی ها، یا لوطی ها اما تنها گروههایی که حق انتقاد داشتند و مجازات نمی شده اند، عاشقها و لوطی ها بوده اند.

«آواز خواندن»، در چهارچوب کار عاشقها نمی گنجد. يك نفر که اجدادش عاشق بوده اند می تواند با ریاضت و تحمل زحمت این مقام را حفظ



از راست به چپ:  
هابیل علی اف: نوازنده چیره دست کمانچه باکو - استاد  
اصغر بهاری - استاد حاج آقا حسین یگانه - استاد خلیفه حاج  
میرزا آقا نمونی - استاد بزرگ دوتار در موسیقی ترکمنی -  
نظری محجوبی

کند. ولی کسی که پدرش عاشق نبوده نمی تواند به این جرگه وارد شود.

کمانچه از جمله سازهایی است که توسط عاشقها نواخته می شود. کمانچه، هم به عنوان سازی بیرونی و هم اندرونی مورد استفاده قرار می گیرد. از کمانچه گاه در مراسم سوگواری نیز استفاده می شود.

#### بعضی هنرمندان موسیقی آذربایجان

۱. استاد علی سلیمی؛ نوازنده تار آذربایجانی، فرزند ظهرا، متولد ۱۳۰۱، در باکو از ۸ سالگی آموزش موسیقی را نزد نوازنده معروف باکو احمد باکیخانف آغاز کرد. سپس آموزش خود را در آموزشگاههای مختلف موسیقی در باکو ادامه داد و به عضویت ارکستر ملی آذربایجان درآمد.

در ۱۹۲۸ همراه پدر به ایران مهاجرت کرد. سپس در تهران مسئولیت ارکستر آذربایجان رادیو را به عهده گرفت و در همین حال، نزد استاد حسین ناصحی تهرانی به فراگیری مبانی آهنگسازی مشغول شد.

آقای سلیمی در سال ۱۳۳۲ در فستیوال موسیقی سنویت آذربایجانی شرکت کرد و موفق به دریافت مدال طلا شد. او تا به حال در زمینه های مختلف موسیقی آذربایجانی به تصنیف آثاری در قالب سرود، ترانه، مارش، فانتزی و تعدادی دوتت برای تار و آثاری برای ارکستر پرداخته است.

وی در جشنواره های مختلفی در داخل و خارج کشور شرکت و موفقیت های بسیاری را نصیب موسیقی آذربایجانی کرده است.

۲. عزیز رامش مشهور به عزیز شهنازی؛ فرزند موسی، متولد ۱۳۱۰ در گنجه است. از سن ۱۶ سالگی نواختن ساز را آغاز کرد و مدتی نزد «شاعر اسد» به فراگیری هنر عاشقی پرداخت. شهنازی سالهاست که دیگر در مجالس ساز نمی زند و تنها در خلوت خود سازش را به نوازد می آورد.

عزیز شهنازی در سرودن اشعار آذربایجان تبحر دارد. مدتی است که برای عاشقهای آذربایجان شعر می سراید. وی یکی از با سابقه ترین هنرمندان آذربایجان به شمار می رود.

۳. عاشق ایران حیدری؛ او فراگیری ساز را از ۱۶ سالگی نزد «عاشق عبادیان» آغاز کرد و پس از آن با پی گیری و ممارست زیاد نزد خویش و با بهره گیری از تکنیک «عدالت نصیب اف» ادامه داد تا بدان حد که توانست به تکنیک قابل توجه و سبک ویژه در نواختن ساز دست یابد. عاشق ایران حیدری را شاید بتوان میرزترین تکنواز ساز عاشقی در ایران دانست. تسلط شگفت انگیز او بر ساز در مقایسه با سن و سال او حیرت آور است. ایران حیدری در کناری گیری نوازندگی، سالهاست که در کارگاه سازسازی خود به ساختن ساز عاشقی و بانزده نوع دیگر از سازهای محلی و سنتی اشتغال دارد.

#### موسیقی بلوچستان

ظاهراً نادرشاه افشار در سال ۱۷۳۶ م. در بازگشت از فتح هندوستان و توقف در ناحیه ای که «مکران» نامیده می شد، بدین علت که مسکن قوم بلوچ بود، آن را «بلوچستان» نامید.<sup>۱</sup>

در متون تاریخی و جغرافیای اسلامی، از طوایف بلوچ فراوان نام برده شده است و آنچه از مطالعه این گزارشها نتیجه می شود آن است که آنها در سواحل جنوبی دریای خزر سکونت داشته اند و در قرن چهارم هجری به بلوچستان فعلی کوچ کرده، یا کوچ داده شده اند.

بلوچستان ایران در جنوب شرقی ایران و در جنوب غربی بلوچستان پاکستان و افغانستان واقع شده است. در این خطه، از قدیم مرزنشینان دلبر و سلحشوری می زیسته اند که در مقابل توطئه های دشمنان داخلی و خارجی رشادتها و مقاومت های زیادی از خود نشان داده اند. از سوی دیگر، این دیار مهد دانشمندان و سخن سرایان بنامی چون ملا نورمحمد بمبشتی، شیخ محمد درفشان، ملا بهرام راسکی... و نیز هنرمندان بزرگی چون فیض محمد بلوچ قصر قندی، ملا موسی راسکی... بوده است.

موسیقی در بلوچستان بخشی جدایی ناپذیر از زندگی مردم بلوچ است. از تولد تا مرگ، از اندوه تا

شادی و درمان بیماری های جسمی و روانی و... نفوذ و تأثیر متقابل فرهنگ های بلوچی و هندی باعث شده است که طی چند قرن اخیر موسیقی بلوچی از تأثیرات موسیقی هندی دور نماند. علت این تأثیرپذیری را شاید بتوان در انزوا و دورافتادگی بلوچستان، فقدان راه های ارتباطی... و نیز عدم توجه دولت مرکزی به این منطقه و مجاورت آن با پاکستان جست و جو کرد. طی سالیان دراز بلوچستان بیش از آن که زیر نفوذ فرهنگی ایران قرار داشته باشد، با جلوه های مادی و معنوی فرهنگ هند مواجه بوده است.

همچنین با توجه به کوچهای مداوم قوم بلوچ و اسکان در مناطق بغایت متفاوت در طول تاریخ، موسیقی بلوچی از تأثیرات فرهنگی مناطق مختلف دور نمانده است. با وجود این، مردم بلوچ توانسته اند بخش مهمی از فرهنگ اصیل و پویای خود را کماکان حفظ کنند.

موسیقی بلوچی در انواع مختلف وجود دارد که هر کدام به بخشی از زندگی بلوچ مربوط می شود:

#### ۱. سبیت (صفت)

به معنی ستایش و تمجید است. آهنگی است که از بدو تولد نوزاد به مدت ۱۴ شبانه روز توسط زنان و به شکل گروهی خوانده می شود. هدف آن سرگرم کردن زانو است. در اجرای سبیت، مهارت در خواندن ملاک اصلی نیست.

در متن اشعار از خدا و رسول (ص) و بزرگان دین ستایش شده، سلامتی نوزاد و زانو آرزو می شود.

#### ۲. وژیت

این آهنگ نیز مربوط به پس از زایمان است که باز توسط زنان و به شکل گروهی خوانده می شود. در «وژیت» برخلاف «سبیت» مهارت در خواندن لازم است.

#### ۳. شبتاگی

آهنگ شبتاگی نیز به بعد از زایمان زانو مربوط است و توسط بستگان زانو خوانده می شود. این مراسم بسته به توانایی و استطاعت خانواده، از ۶ تا ۱۴ شب و گاه تا ۴۰ شب برگزار می شود.

در هیچ کدام از این مراسم سازی شرکت ندارد. اما گاه از دهل یا دایره استفاده می شود.

آواز شنتاگی معمولاً به شکل دسته جمعی و میان دو گروه از خوانندگان متناوباً تعویض می شود.

#### ۴. لارو ششگانی

لارو از جمله ترانه هایی است که به مراسم عروسی مربوط است، اما لارو ششگانی به شب ششم تولد نوزاد مربوط است که مراسم نامگذاری و ختنه سوران نوزاد نیز در همین شب انجام می گیرد.

#### ۵. لیلو

لیلو همان لالایی است که آهنگی کشیده و ملایم دارد. متن لیلو برای دختر یا پسر متفاوت است.

#### ۶. صوت (صوت)

صوت عبارت از آهنگهای شادی است که با آواز خواننده می شوند.

محتوای آهنگهای صوت شامل موضوعات عاشقانه و زیباییهای طبیعت است. صوت معمولاً با همراهی تعدادی ساز اجرا می شود. ترانه های صوت بسیار متنوع است. شاید بتوان گفت که در صوت متن بیش از موسیقی اهمیت دارد. آهنگهای صوت اغلب ریتمیک است.

به خواننده صوت، «صوتی» می گویند که نسبت به «پهلوان» یعنی خواننده اشعار حماسی و تاریخی، حقیرتر محسوب می شود. «صوتی» در مجالس عروسی و ختنه سوران و نامزدی و... شرکت می کند و این مراسم معمولاً با رقص و پایکوبی همراه است.

#### ۷. نازینک

نازینک به ترانه های ۶ شب اول مراسم عروسی اطلاق می شود.

متن اشعار نازینک برای عروس و داماد متفاوت است.

نازینک از کلمه نازینگ (Nāzēnag) به معنی ستایش کردن مشتق شده است.

#### ۸. لارو

لارو به آخرین روز مراسم عروسی مربوط است، روز هفتم که داماد را برای استحمام می برند. این آهنگ همچنین در روز ششم زایمان نیز اجرا می شود که به آن لارو ششگانی گویند.

#### ۹. هالو

هالو نیز هنگام استحمام داماد خوانده می شود. این موسیقی فقط به مراسم عروسی مربوط است و در هیچ زمان دیگری اجرا نمی شود.

به غیر از آهنگهایی که به مراسم مختلف عروسی، ختنه سوران، زایمان و... مربوط است، در بلوچستان با انواع دیگری از موسیقی نیز مواجه می شویم که عبارتند از:

#### ۱۰. شتر

شتر (شتر) آوازی است که متن آن را داستانهای حماسی، عشقی، وقایع تاریخی، رویدادهای اجتماعی، پند و اندرز و... تشکیل می دهد و در واقع نوعی داستانسرایی همراه با موسیقی است. شاعر به کسی اطلاق می شود که شتر را با ساز و آواز اجرا کند و نه به کسی که شعر را می سراید. در بلوچستان به سراینده شعر «شره» پر بندوک گفته می شود. شائری را که به درجه کمال برسد، «پهلوان» می گویند. «پهلوان»

ترکیبی از دو کلمه «پهلُو» و «وان» است. «پهلُو» به معنی شجاع و دلاور و تواناست و «وان» به معنی خواننده است (وانگ در زبان بلوچی به معنی خواندن است). بنابراین، پهلوان یعنی خواننده یا ارائه دهنده شجاعت ها و دلاوری ها.

جایگاه و کارکرد «پهلوان» در بلوچستان را شاید بشود با عاشق های آذربایجان، بخشی های ترکمن صحرا و شمال خراسان مقایسه کرد. پهلوان های بلوچ در گذشته نه تنها راوی واقعیات تاریخی، حماسی و عشقی بوده اند، بلکه گاه در خود رویدادها نیز تأثیر می گذاشته اند. شتر معمولاً در مجالس بزرگ یا محافل خواتین و گاه در عروسی ها ارائه می شود. سازهای همراهی کننده شتر، سرود و تمبورک است. پهلوان خود تمبورک می نوازد. حضور هر ساز دیگری در این موسیقی، از اصالت به دور است.

شتر در سه شکل اجرایی مختلف اجرا می شود: حالت اول «دِپگال» است. در این شکل، خواننده با زبان محاوره به بیان داستان می پردازد. در این مرحله پهلوان دیگر تمبورک نمی نوازد اما گفتار او توسط همکارانش به آرامی همراهی می شود.

حالت دوم «سازینک» نام دارد که موسیقی ریتمیک است. پهلوان تمبورک را به صدا درمی آورد و هم می نوازند و هم می خوانند.

حالت یا شکل سوم «ألحان» نام دارد و آن زمانی است که پهلوان مضامین اندوهگین را می خواند. در این شکل، آواز توأم با صداهای کشیده و موسیقی دارای متر آزاد است. در اجرای «شتر» دو تمبورک (که یکی را پهلوان می نوازد) و یک سرود (قیچک) شرکت دارند.

#### ۱۱. زهیروک

زهیروک موسیقی بیان غمها، هجرانها و غریبی هاست. زهیروک در قدیم همیشه با «سرود» (قیچک) و امروزه گاه با «بینجو» نواخته می شود. زهیروک متر آزاد دارد و دارای انواع و اقسام مختلف است. زهیروک هم با ساز، هم با آواز و هم توأم اجرا می شود. اجرای زهیروک با نل (نی) نیز رایج است. زهیروک بدو فقط توسط زنان و حین کار روزانه خوانده می شد که این نحوه امروزه متداول نیست. امروزه اغلب زهیروک توسط خوانندگان مرد و به همراهی سرود، نل یا بینجو اجرا می شود.

#### ۱۲. لیکو

لیکو به آهنگهایی گفته می شود که در مناطق سرحدی مانند زاهدان، خاش، میرجاوه و سیستان خوانده می شود. لیکو مترادف زهیروک است، اما از نرزش و ملایمت بیشتری برخوردار است. لیکو نیز دارای متر آزاد است.

اصولاً برخی از خصایص متفاوت ملودی در سرحد زمین نسبت به سایر نقاط بلوچستان موجب شده است که موسیقی این منطقه با وجود تبعیت از همان ویژگی های کلی موسیقی بلوچستان، به عنوان «سبک سرحدی» متمایز شود.

#### ۱۳. گردی

مضمون اشعار گردی نیز مانند زهیروک و لیکو مبین تألمات ناشی از هجران و فراق است. این آواز بیشتر

در ایرانشهر و بمپور رایج است. عنوان این آهنگ احتمالاً تعلق آن را به شاخه ای از اکراد بلوچستان مشخص می کند که بیشتر در اطراف کوه تفتان سکونت دارند. آواز گردی نیز دارای متر آزاد است.

#### ۱۴. موتک

موتک یا مودگ مخصوص مرثیه و مراسم عزاداری و ترحیم است و در حقیقت نوعی عزاداری است. موتک همان مویه فارسی است. این آواز توسط زنان و به شکل گروهی و بدون همراهی ساز اجرا می شده است. این نحوه اجرا امروزه کمتر مشاهده می شود. از میان سازها تنها سرود (قیچک) است که قادر است با نوای محزون خود آن را اجرا کند. موتک نیز دارای متر آزاد است.

#### ۱۵. آمبا

آمبا ویژه ماهیگیران است و به شکل گروهی خوانده می شود و متن آن دربرگیرنده مراحل مختلف صید است. اجرای آمبا به شکل ستوال و جواب میان تکخوان (ناخدا) و گروه صیادان است.

موسیقی درمانی در بلوچستان شامل مراسم گوات، دَمال و مالِد (پیرپتر) است.

#### ۱۶. گوات

معنی تحت اللفظی گوات، باد یا هوا است. گواتی به بیماری گفته می شود که گوات در جسم او حلول کرده، تعادل روحی، روانی و جسمی او را برهم زده است.

بیماری گوات در بلوچستان نوعی بیماری روانی است که بیشتر در زنان بروز می کند. مردم بلوچ به وجود ارواح مرموز و پلیدی معتقدند که در جسم افراد حلول کرده، امراض مختلف را موجب می شوند.

اعتقاد به وجود امراض مرموز و پلیدی، نه تنها در بلوچستان، که در کل مناطق ساحلی جنوب کشور وجود دارد و از تنوع فراوانی نیز برخوردار است. هر یک از گوات ها یا ارواح مرموز به علت چگونگی تأثیرشان بر شخص، تحت عناوین بخصوصی گروه بندی می شوند. تمایز آنها نه فقط تحت عناوین بخصوص، که براساس مذکر یا مؤنث بودنشان، کافر یا مسلمان بودن و... نیز مشخص می شود. تنها موسیقی است که قادر است ارواح مرموز و پلیدی را از وجود بیمار طرد کند.

رقص و تحرکات یکتواخت بدن در مراسم گوات بخش جدایی ناپذیر این مراسم است. تکرار مداوم یک فیکور یا موتیف در موسیقی موجب تحرکات یکتواخت جسمانی می شود که بیمار را در جهت محدودیت خودآگاهی سوق می دهد و محدودیت خودآگاهی می تواند تا حدود خلسه به اوج خود برسد و در نهایت، فرد را به مرحله ناخودآگاه سوق دهد.

این مراسم توسط گواتی، مات یا مادر گوات رهبری می شود.

از آنجا که بیماری گوات بیشتر به زنان معطوف است، رهبری گوات نیز به عهده زن است. وظیفه گواتی، مات تشخیص وجود گوات در بیمار و تعیین درجه حدت یا بهبودی گوات طی مراحل مختلف است.

برای هر گوات، «مقام گواتی» مخصوصی اجرا می شود. مقامهای گواتی، مختلف است و هر کدام برای مرحله خاصی از نظر شدت و ضعف بیماری

است. واکنش بیمار در مقابل هر یک از این مقامهاست که باعث تکرار مداوم آن آهنگ در طول مراسم می شود.

متن آوازهای گوات در درجه اول حاوی مدح لعل شهباز قلندر و شیخ عبدالقادر گیلانی است. این مراسم از سه تا هفت شب و هر شب از یک تا چهار ساعت بسته به نوع بیماری می تواند ادامه یابد. اگر بیمار در پایان مرحله نهایی بهبود نیافت، مرگ او حتمی است...

**۱۷. دَمال**  
دَمال نیز در مردان بلوچ همان جنبه اعتقادی حلول ارواح مرموز و پلید را در جسم دارد که گوات در زنان بلوچ داشت. رهبر دَمال را خلیفه گویند.

این مراسم نیز با موسیقی و تحرکات شدید جسمانی و دعا و نیایش همراه است. در گوات و دَمال تقریباً از کلیه سازهای بلوچی بخصوص سرود، تمبورک و دَهَلک استفاده می شود.

**۱۸. مالد**  
مراسم مالد یا پیر پتر را می توان از جهاتی شبیه مراسم خانقاه قادریه کردستان دانست. این مراسم بیشتر در مناطق ساحلی بلوچستان رایج است. در این مراسم تنها از سما (دف) استفاده می شود. گاه عنوان سما به کل مراسم مالد نیز اطلاق می شود. تحرکات جسمانی و انجام اعمال خارق العاده در این مراسم همانند مراسم خانقاه قادریه در کردستان است. به کسانی که دست به اعمال خارق العاده می زنند، «مستان» می گویند. از مراسم مالد نیز گاه برای درمان بیماری های روانی استفاده می شود.

**رقص**  
در بلوچستان رقصهای متفاوتی از قبیل دوچایی، سه چایی، لتکی، کوپگو و... وجود دارد. موسیقی این رقصها بخش مهمی از مراسم عروسی را دربر می گیرد. به غیر از رقصهای ذکر شده، در بلوچستان با مراسمی مواجه می شویم که لیوا نام دارد که بیشتر در مناطق ساحلی بلوچستان رایج است. لیوا بیشتر به یکتوع رقص دسته جمعی سواحل آفریقا شباهت دارد تا به مراسم و رقصهای بلوچی. این مراسم به جشنها و مراسم شاد مربوط است و توسط سورنا، دَهَل لیوا و یک دهل کوچکتر دیگر، اجرا می شود. از دهل لیوا تنها در این مراسم استفاده می شود. آهنگ های لیوا متنوع و متفاوت است. مراسم لیوا ابتدا با ریتمی ملایم شروع می شود و تدریجاً به اوج می رسد.

## سازهای بلوچستان

### ۱. سرود

سرود یا قیچک یکی از مهم ترین سازهای بلوچستان است. سرود به غیر از ۴ سیم اصلی که روی آنها آرشه (کمانه) کشیده می شود، دارای تعدادی سیم های واخوان است که نسبت به سیمهای اصلی کوچک شده، موجب ظنن و ازدیاد حجم صوتی این ساز می شود (تعداد سیمهای واخوان معمولاً ۷ است).

### ۲. رباب

رباب از سازهای مضرابی است که مانند سرود علاوه بر ۶ سیم اصلی، دارای تعدادی سیم واخوان نیز

است (تعداد سیم های واخوان معمولاً ۱۳ است). تعداد پرده های رباب بلوچی از ۴ تا ۵ پرده معمولاً تجاوز نمی کند.

### ۳. تمبورک (سه تار)

ساز همراهی کننده دیگر سازهای بلوچی است. با تمبورک نغمه ای نواخته نمی شود، بلکه تنها به شکل واخوان صداهای اصلی آهنگ عمل می کند و ریتم آن از ریتم آهنگ پیروی می کند. حضور یک تا دو تمبورک در میان سازهای بلوچی باعث پر شدن فضای صوتی و نیز کمک به درک ریتم موسیقی است. تمبورک (سه تار) دارای سه سیم است و معمولاً انگشت گذاری روی سیم سوم در فاصله چهارم به صورت متناوب با دست باز صورت می گیرد. دو سیم از سه سیم تمبورک به صورت هم صدا با سیمهای زیر رباب و سرود و سیم سوم با آخرین سیم رباب (بم) کوک می شود که اخذ فاصله چهارم ذکر شده نیز روی همین صورت می گیرد.

### ۴. سورنا

استفاده از سورنا به همراهی دَهَل بزرگ و تیموک (دَهَل کوچک) مخصوص مراسم عروسی است. سورناهای رایج در بلوچستان، از پاکستان وارد می شود و از نظر شکل ظاهری با سورناهای رایج در ایران کمی متفاوت است. در بلوچستان گاه از سورنایی کوچک که دارای صدای بسیار زیر است، استفاده می شود.

### ۵. دَهَل بزرگ

ساز کوبه ای اصلی همراهی کننده سورنا است که بدنه آن از چوب ساخته می شود. در مناطق سرحدی برای همراهی سورنا تنها از یک دَهَل بزرگ (با بدنه فلزی) استفاده می شود. این دَهَل در مقایسه با دَهَل های مناطق غیر سرحد بزرگتر است.

### ۶. تیموک

دَهَل کوچکتری است که در کنار دَهَل بزرگ، سورنا را همراهی می کند. نقش او شکستن ضرب اصلی موسیقی است.

### ۷. دهلک

دهل دو طرفه کوچک و بلندی است که برای همراهی سایر سازهای بلوچی به غیر از سورنا مورد استفاده قرار می گیرد. نوازنده معمولاً به طور نشسته آن را در میان پاهای خود گرفته، با دو دست در دو طرف آن می نوازد. دهلک بر دو نوع است. یکی دهلک معمولی و دیگری دهلک نال. دهلک نال که در پاکستان ساخته می شود، دارای صدایی شفاف تر است و قابلیت کوک شدن دارد.

### ۸. دهل مگرمان

طبل بلند یک طرفه ای است که بدنه آن از طریق خالی کردن تنه درخت ساخته می شود و پوست شتر روی آن می کشند. از آن، گاه در قدیم برای خبررسانی استفاده می شده است. این دهل امروزه در بلوچستان کمتر دیده می شود.

### ۹. دهل بزرگ لیوا (دهل رحمانی)

دهل بزرگ و حجیمی است که تنها در مراسم لیوا از آن استفاده می شود. تعداد کمی از این دهل در بلوچستان ایران وجود دارد.

### ۱۰. نل (قلم - نی)

که همان نی چوپانان است و معمولاً در سه اندازه اصلی یافت می شود. از نل در اجرای آهنگ های زهیروک استفاده می شود. گاه از این ساز برای درمان بیماری های روحی و جسمی نیز استفاده می شود.

### ۱۱. سما

همان دف است که بیشتر در مراسم سما یا مالد از آن استفاده می شود.

### ۱۲. بینجو

از جمله سازهایی است که در بلوچستان از قدمت زیادی برخوردار نیست. ریشه این ساز احتمالاً ژاپنی است که از مدتها پیش در هند و پاکستان همراه با تغییراتی که در ساختمان آن ایجاد شده است، استفاده می شود. این ساز سالهاست که در بلوچستان ایران نیز متداول شده است. بینجو سازی مضرابی است و توسط تکمه هایی که روی آن تعبیه شده است، طول سیم های آن کم و زیاد می شود.

### ۱۳. هارمونی

هارمونی نیز از جمله سازهایی است که اصالت بلوچی ندارد، اما به خاطر کیفیت صوتی آن معمولاً در ارکسترها و اغلب در اجرای آهنگ های سبک تر استفاده می شود. هارمونی بیشتر در هند و پاکستان رایج است و به عنوان یک ساز خارجی هنوز نتوانسته در فرهنگ اصیل موسیقی بلوچی رخنه زیادی کند.

### ۱۴. شیدی

شیدی سورنای بزرگ دهته گشادی است که در بلوچستان پاکستان در مراسم گوات از آن استفاده می شود. این ساز رواج چندانی در بلوچستان ایران نیافته است.

### ۱۵. دونلی

شامل دو لوله صوتی بلند از جنس چوب است که به موازات هم اما جدا از یکدیگر، در دهان نوازنده قرار می گیرد. از این دو لوله، یکی را ماده و دیگری را نر می گویند. سیستم دمیدن در آن مانند فلوت های ریکوردر است. طول لوله نر و ماده یکسان است. لوله ماده ۱۱ سوراخ در جلو دارد. ۵ سوراخ پایین، انگشت گذاری نمی شوند و تنها روی ۶ سوراخ بالا انگشت گذاری می شود. نغمه اصلی از طریق لوله ماده به دست می آید. لوله نر دارای ۸ سوراخ است. ۵ سوراخ پایین آن انگشت گذاری نمی شود. سه سوراخ بالا بسته به کوک آهنگ، هر کدام بسته یا باز خواهند بود. بستن هر کدام از این سه سوراخ توسط انگشت صورت نگرفته، معمولاً با موم بسته می شوند.

## نوازندگان بلوچستان

### ۱. شیخ صابر قادری: نوازنده نل (قلم - نی)

است. در حدود ۷۰ سال دارد و ساکن چابهار است. او از معروف ترین و شاید آخرین نوازندگان نل در منطقه چابهار است و شاید اصیل ترین نل نواز بلوچ در حال حاضر.

در قدیم، هنگام چرای گوسفند و شتر می نواخته و امروز به عنوان خلیفه از این ساز در جهت بهبودی بیماران مبتلا به امراض روانی (گواتی) استفاده می کند. استفاده از نل در معالجه بستگی به تشخیص او دارد. زمانی که اذکار، اوراد و دعاها در بهبود بیمار

مؤثر واقع نشود، او کار خود را با نواختن نل آغاز می‌کند و بنا به گفته ایشان بهبودی بیمار حتمی است. او بارزترین نوازنده نل در اجرای آهنگ‌های چوبانی و گواتی است و با وجود کهولت بین، بیماری و نداشتن دندان هنوز نل را به خوبی می‌نوازد.

۲. شیرمحمد اسپندار  
نوازنده دونلی و نل (قلم - نی)، ۶۰ ساله و متولد بمپور است.

او در جوانی به پاکستان رفت و مدت ۱۵ سال در ایالت سیند پاکستان زندگی کرد. قبل از سفر به پاکستان یادگیری نل را شروع کرده بود و در پاکستان نواختن «دونلی» را از جمل شاه دونلی نواز پاکستانی آموخت.

شیرمحمد در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشت و در بمپور ساکن شد. او در حدود ۳۸ سال است که به نوازندگی مشغول است. شیرمحمد آوازهای بلوچی را نیز خوب می‌خواند. با وجود این، در دهه گذشته او مجبور شد به خاطر اوضاع خاص منطقه ساز را کنار بگذارد. او معروف ترین نوازنده دونلی و نل در منطقه بمپور بوده، در کنار نوازندگی به کشاورزی نیز مشغول است.

۳. کمال خان هوت  
خواننده و نوازنده تمبورک (سه تار)، ۵۰ ساله و ساکن چابهار است.

او از معدود هنرمندانی است که به سبک بهلولانی می‌خواند (بهلولان به معنی خواننده اشعار حماسی). این سبک از اصیل ترین و قدیمی ترین انواع موسیقی بلوچی است که در جنوب بلوچستان رایج است. گرچه این موسیقی در بلوچستان پاکستان هنوز رونق دارد، اما در بلوچستان ایران شاهد چهره‌های معدودی مانند کمال خان هوت، لال بخش بیک و... بیشتر نیستیم.

کمال خان مراحل اولیه این هنر را از عموی خود «حاج شیرمحمد» که خواننده غیرحرفه‌ای بود، آموخت و سپس شخصاً به تکمیل آن پرداخت. او در حدود ۳۵ سال است که به این کار مشغول است. شهرت او نه تنها در بلوچستان ایران که در بلوچستان پاکستان نیز زبانزد است و گاه برای شرکت در مجالس بلوچستان پاکستان از او دعوت می‌شود.

۴. موسی زنگشاهی  
نوازنده ریاب و خواننده، فرزند نعمت، متولد ۱۳۰۴ در روستای جالق سراوان است.

از سن ۱۲ سالگی کار خوانندگی و نواختن سرود، سه تار و ریاب را نزد پدر خود آغاز کرد. موسیقی در خانواده او موروثی است. موسی قریب به ۴۵ سال است که در زمینه موسیقی فعالیت دارد. فرزند او دین محمد نیز از نوازندگان صاحب نام سرود است.

۵. دین محمد زمک زهی  
معروف به دین محمد زنگشاهی، نوازنده سرود (قیچک)، فرزند موسی، متولد ۱۳۳۳ در گشت سراوان است.

از سن ۷ سالگی آموختن موسیقی را نزد پدر خود آغاز کرد. او مدت ۲۵ سال است که به خوانندگی و نواختن سرود مشغول است. دین محمد همچنین به سازهای دیگر بلوچی از جمله ریاب، بینجو، سه تار و دهلك نیز كاملاً آشنایی دارد. دین محمد همراه پدرش

موسی و سایر اعضای گروه موسیقی زاهدان تا به حال در جشنواره‌های متعددی در داخل و خارج کشور شرکت کرده‌اند.

۶. امیر گرگیچ مسکور  
نوازنده دهل، دهلك و تشتك و کوزه، متولد ۱۳۳۵ در زابل است.

نوازندگی دهل را از هفت سالگی نزد عموی خود جمعه گرگیچ آغاز کرد نواختن تشتك و کوزه را از سهراب داودی آموخت.

امیر از ۱۳۵۴ در فرهنگ و هنر زاهدان مشغول به کار شد و تا به حال شاگردان چندی را در زمینه نوازندگی دهل تربیت کرده است. او در حال حاضر در زاهدان ساکن است.

۷. محمد داودی رهبر  
نوازنده سورنا، فرزند حسن، متولد ۱۳۳۸ در زاهدان است.

نواختن سورنا را از ۱۲ سالگی با بهره‌گیری از تجارب سورنناوازان بلوچ آغاز کرد. محمد در زمره نوازندگان ممتاز منطقه سرحدی بلوچستان است.

۸. فیض محمد ریگی  
فرزند علی محمد، متولد ۱۳۲۷ در گشت سراوان است. از ۸ سالگی خوانندگی و نواختن سازهایی از قبیل سرود، سه تار و دهلك را نزد «بهلولان بلند زنگشاهی» و «موسی زنگشاهی» آغاز کرد. ایشان سال‌هاست که در کنار «موسی زنگشاهی» به خوانندگی و نواختن سه تار مشغول است.

موسیقی بوشهر

در زمینه مطالعه موسیقی بوشهر باید به این نکته توجه داشت که در بوشهر نه فقط ساکنان محلی، بلکه ملیت‌های دیگری از جمله مهاجرین آفریقایی نیز زندگی می‌کنند. این مهاجرین به تدریج تا اوایل قرن بیستم به عنوان غلام و برده به این شهر وارد شدند، ولی بعدها ظاهراً مهاجرت به علت امرار معاش و کسب و کار صورت می‌گرفته است.

بخش مهمی از موسیقی منطقه بوشهر را نوحه‌ها و آوازهای مراسم عزاداری تشکیل می‌دهد. تا چند دهه پیش، هر یک از طبقات مردم بوشهر جداگانه در یکی از محله‌های متعدد این شهر ساکن بودند و مراسم عزاداری محرم را جداگانه انجام می‌دادند. اجرای مراسم دمام به صورت عبور در شهر، عملی می‌شد و با رقابت شدید محله‌ها همراه بود و هر محله گروه دمام مخصوص به خود را داشته است. بعد از مراسم دمام، در قدیم معمولاً تعزیه اجرا می‌شد، ولی اکنون این رسم (اجرای تعزیه) همیشگی نیست.

سینه‌زنی در بوشهر همیشه با آواز توأم است. اجرای سنج و دمام برای خبر کردن مردم برای انجام مراسم سینه‌زنی، انجام می‌گیرد. بوق با قدرت به دمام‌ها و سنج، دستور شروع نواختن را می‌دهد و در پایان نیز این بوق است که دستور ختم مراسم دمام را می‌دهد. بوق همچنین هنگام اجرای دمام و سنج آنها را همراهی کرده، نقش هماهنگ کننده را ایفا می‌کند. زمانی که دو دسته دمام و سنج از دو طرف به هم نزدیک می‌شوند، چون اغلب هر دسته ریتم متفاوتی را نسبت به دسته دیگر می‌نوازد، وظیفه بوق است که هماهنگی

را میان دو دسته مختلف به وجود آورد. این مراسم معمولاً توسط يك «دمام اشكون» که معمولاً ضد ضرب‌ها را می‌نوازد و دو «دمام غمیر» که در کنار «دمام اشكون» هستند و چهار «دمام عادی» با همراهی سنج انجام می‌شود.

سینه‌زنی در بوشهر ابتدا به وسیله گروه کوچکی از خردسالان آغاز می‌شود و به تدریج به تعداد شرکت‌کنندگان اضافه می‌گردد. شرکت‌کنندگان، دایره وار گردهم جمع می‌شوند. در سینه‌زنی هیچ سازی شرکت ندارد. آوازهای آن فقط توسط ضربات منظم سینه‌زنی همراهی می‌شود. این آوازه‌ها بین خواننده اصلی و سینه‌زن‌ها، متوالیاً مبادله می‌شود. مراسم سینه‌زنی به وسیله يك رهبر هدایت می‌شود. رهبر وظیفه دارد که اضافه شدن تدریجی شرکت‌کنندگان، تعویض ملودی‌ها بین خواننده و سینه‌زن‌ها، انطباق متر آنها با ضربات سینه‌زنی و غیره را تنظیم کند، در سینه‌زنی دو خواننده اصلی شرکت دارد. خواننده دوم معمولاً در زمره بهترین خوانندگان بوشهر است. وی موقعی در مراسم حضور می‌یابد که دایره دومی از شرکت‌کنندگان در وسط دایره اول تشکیل می‌شود. ازدیاد تدریجی شرکت‌کنندگان موجب هیجان تدریجی در مراسم سینه‌زنی است. این هیجان تدریجی کم‌کم به اوج خود می‌رسد. بررسی دقیق آوازه‌ها نشان می‌دهد که تطبیح و اوج تدریجی آن نه فقط در شرایط و مراسم، بلکه همچنین در ذات و یا خصوصیات خود ملودی‌ها نهفته است.

نوحه‌ها توسط خواننده اصلی اغلب به وسیله اصوات اضافی مزین می‌شود، در صورتی که کر (سینه‌زنان) ملودی‌ها را به ساده‌ترین شکل خود ارائه می‌دهند. تمام آوازهای سینه‌زنی متر مشخص دارند. از آنجا که اکثر ترانه‌های بوشهر لحنی محزون و مؤثر دارند، استفاده از این ترانه‌ها در موسیقی مذهبی امکان‌پذیر است. بدین ترتیب، لحن مشابه موسیقی محلی و مذهبی در بوشهر این دورا مثل پلی به یکدیگر مربوط می‌سازد.

محللات مختلف بوشهر تعصب زیادی در رابطه با مراسم سنج و دمام دارند و معمولاً اهالی يك محل اجازه نمی‌دهند فرد غریبه‌ای در نواختن سنج و دمام شرکت کند. این تعصب در مورد دمام اشكون بیشتر است.

موسیقی‌های دیگر

ترانه‌های بوشهر اغلب تحت تأثیر موسیقی بومیان آفریقایی قرار گرفته است.

یکی از فرم‌های معمولی در موسیقی محلی بوشهر «سبالو» است که احتمالاً همان «مولود نی» - جشن تولد بیغمیر اسلام (ص) - است. آوازی است همراه با دایره و توسط خوانندگانی که دایره وار نشسته‌اند، اجرا می‌شود. خوانندگان در هنگام اجرای «سبالو» شانه‌های خود را به طرف راست و چپ حرکت می‌دهند. ظاهراً سبالو از موسیقی عرب و آفریقا متأثر بوده است.

از فرم‌های رایج دیگر در موسیقی بوشهر «بزله» است که توسط خوانندگان غیرحرفه‌ای اجرا می‌شود که فقط با دست زدن همراه است. در «بزله» ملودی



گروه نوازندگان بوشهر

می شود. دمیدن در نی جفتی به صورت نفس بر گردان است.

### ۳. نی تکی (نی زنا)

از خانواده نی های هفت بند است با چهار سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت. این ساز بیشتر در منطقه تنگستان و بوشهر رایج است.

### ۴. بوق

بوق سازی است مارپیچی شکل و دارای امتدادی مخروطی. طول آن تقریباً ۸۰ سانتیمتر است. جنس بوق از شاخ است. به علت فشار زیاد برای دمیدن در بوق، اجرای بوق توسط یک نفر برای مدت طولانی امکان پذیر نیست و معمولاً نواختن آن به چند نفر محول می شود.

ریتم فیگورهای اجرایی بوق کاملاً منطبق با ترکیبات ریتمی سازهای ضربی است. اخذ تمیز اصوات از بوق و تعداد آنها، بستگی به مهارت نوازنده دارد. معمولاً غیر از صدای مینا، پنجم و اکتاو آن نیز قابل اخذ است. تنها چهار محل قدیمی بوشهر دارای بوق هستند. هر بوق سمبل محل خود است و ربودن بوق محلی به منزله ربودن حیثیت و آبروی آن محل بوده است.

### ۵. دمام

دمادم سازی کوبه ای است که دو طرف آن پوست است. طرف راست را با چوب و طرف چپ را با دست می نوازند. دمام از قسمت های پیپ، چمبره، پوست و بند تشکیل شده است. پیپ دمام (بدنه) از چوب است و در قدیم یک تکه بوده است. تعداد پیپ های قدیمی در بوشهر انگشت شمار است و تقریباً در چهار محل قدیمی بوشهر تنها در حدود پنجاه عدد پیپ موجود است.

### ۶. سنج

سنج، سازی ضربی است به شکل مضاعف و از جنس فلزی که به آن هفت جوش می گویند. از این جنس سنج تعداد کمی در بوشهر موجود است.

## نوازندگان موسیقی بوشهر

۱. احمد علی شرفی: نوازنده نی انبان و نی جفتی

نواختن، با حرکات منظم با به شکل خاصی دایره وار حرکت می کنند و حول یک محور می چرخند و معمولاً چند رقصنده زن در میان دایره با حرکاتی خاص به رقص خیلی سنگین می پردازند که حرکات آنها فضای بخصوصی دارد. این مقام امروزه بیشتر در میان کولی های بوشهر رایج است. در مناطق دیگر گاه به این مقام «سه پا» نیز گفته می شود.

از دیگر مقام های سازی بوشهر می توان به «چوبی بوشهری» اشاره کرد که توسط نی انبان و یا نی جفتی اجرا می شود. این آهنگ از نعمات معروف بوشهر است. بجز قسمتهای سازی، این مقام دارای قسمتهایی است که دارای کلام است.

«شکی» آهنگ بدون کلامی است که توسط نی انبان یا نی جفتی همراه با دمام و یا دایره اجرا می شود و با دست زدن همراه است. شکی موسیقی مخصوص مراسم شادی (چون ختنه سوران و حنابندان) است. «بندری» از دیگر آهنگ های سازی منطقه بوشهر است که دارای ریتمی تند بوده، مخصوص رقص است. گاه به جای کلمه بندری از کلمه «رقص» نیز استفاده می شود.

## سازهای بوشهر

۱. نی انبان (نی مشکلی - یاد همبونه - نی همبونه) این ساز از دو قسمت عمده نی و انبان تشکیل شده است. تعداد نی ها دو عدد است. هر نی دارای شش سوراخ بوده، پی کک (قمیش) نی کوچک زبانه داری است که بر روی هر کدام از نی ها سوار می شود و ایجاد صدا می کند. این نی ها هر دو درون یک غلاف چوبی قرار می گیرند که به این مجموعه «دسته نی انبان» گفته می شود. قسمت دوم، انبان است از پوست بز. از یک طرف هوا به آن وارد می شود و از طرف دیگر به دسته نی انبان متصل است. انبان در حکم محفظه ذخیره هوا برای نوازنده است.

### ۲. نی جفتی

نی جفتی از دو عدد نی که به هم بسته شده اند، تشکیل می شود. هر نی دارای شش سوراخ است. روی هر کدام از نی ها یک «پی کک» (قمیش) گذاشته

بیش از متن اهمیت دارد.

«شروه» (دوبیتی محلی) فرمی دیگر در موسیقی بوشهر است. شروه از نظر متر آزاد است و ظاهراً دارای قدمت زیادی است. موطن اصلی شروه مناطق دشتی - دشتستان و تنگستان است. مترادف شروه، حاجیونی است که با «نی انبان» و گاه «نی جفتی» اجرا می شود. اجرای «حاجیونی» همیشه به عنوان مقدمه هر آهنگ به شکل سلو اجرا می شود.

شروه اغلب با مقدمه ای شروع می شود که متن آن شامل اشعار مولانا جلال الدین مولوی است، این سنت هنوز هم در دشتستان رواج دارد.

اشعاری که امروزه متن اغلب ترانه های بوشهر را تشکیل می دهد، متعلق به دو شاعر معروف محلی است: زایر محمدعلی معروف به فایز، متعلق به کوردوان (در بخش دشتی) که احتمالاً در ۱۹۱۱ م. وفات یافته است و سید بهمنیار ملقب به مفتون که در بخش دشتی (بوردخون) زندگی می کرده، تا حدود ۳-۴ دهه پیش حیات داشته است.

ترانه های بوشهر به دو گروه تقسیم می شوند: آنهایی که متر مشخص داشته و گروهی که متر آزاد دارند. در گروه اول، ملودی اغلب یا خیلی کوتاه است و یا از فیگورهای متعدد کوتاهی که حدود آنها کاملاً مشخص است، تشکیل شده است. دسته دوم که معمولاً شروه نامیده می شود، دارای پریرودهای مختلف است و معمولاً به هر پریرود یک بیت شعر تعلق می گیرد.

از مقام های سازی موسیقی بوشهر به غیر از حاجیونی که ذکر آن رفت، می توان از «مولودی» نام برد. مولودی نیز مانند حاجیونی توسط نی انبان اجرا می شود. این مقام معمولاً در روزهای بخصوصی مانند اعیاد مذهبی، تولد پیغمبر اسلام (ص) و... اجرا می شود. این مقام با نوعی حرکت مخصوص دسته جمعی اجرا می شود. مترادف مولودی همان «سبالو» یا «مولود نی» (ص) است.

«چوبی چهار دستماله» نوع دیگری از موسیقی بوشهر است که توسط نی انبان و دایره اجرا می شود. در موقع اجرای این موسیقی، نوازندگان هنگام

متولد ۱۳۲۲ در بوشهر است. او ۳۵ سال سابقه نوازندگی دارد. احمد علیشرقی از بهترین نوازندگان نی انبان و نی جفتی منطقه بوشهر محسوب می شود و تاکنون در سه جشنواره داخلی به عنوان نوازنده برتر انتخاب شده است و در فستیوال هنر ایران در آلمان نیز شرکت جسته است. ایشان از طرف فستیوال آونیون نیز دعوت شده بودند که به علت مشکلاتی موفق به شرکت در این جشنواره نشدند.

۲. ابراهیم این روحی: نوازنده دمام است. او دارای ۲۹ سال سن و متولد بوشهر است. او ملوان است و ۱۵ سال سابقه در نوازندگی دمام و نیز خوانندگی دارد. او تاکنون در دو جشنواره موسیقی فجر و نیز جشنواره هنر ایران در آلمان شرکت کرده است.

۳. رسول خراسانی (نوازنده سنج از بوشهر): آقای رسول خراسانی ماهگیر و ۶۲ ساله است. او در حال حاضر بهترین نوازنده «سنج» در بوشهر است که به علت کوهلت سن اغلب قادر به شرکت در مراسم دمام نیست.

۴. سلمان بلال زاده: نوازنده «دمام عمیر» و ۵۰ ساله است. سلمان ملقب به «سلوار» از نوازندگان بنام عمیر در بوشهر است و دارای شیوه ای خاص در نواختن دمام عمیر. نوازندگی دمام در خانواده او موروثی است.

۵. جعفر پروک نیا: او را نوازنده «دمام اشکون» می شناسند. مهارت خاصی در نواختن نی انبان و دیگر سازهای محلی بوشهر دارد.

۶. سید علیرضا گل افان: نوازنده دمام، ۲۹ ساله متولد بوشهر. او نواختن دمام را از کودکی نزد پدر خود سیدرضا گل افان آغاز کرده، او از جمله نوازندگان صاحب نام دمام در بوشهر است.

### موسیقی منطقه تربت جام، خوف و تایباد

دوتار خراسان را شاید بتوان در دو حوزه مختلف (از نظر جغرافیایی) مورد مطالعه قرار داد. یکی حوزه شمال خراسان است که در برگیرنده شهرهای قوچان، بجنورد، شیروان و درگز است. حوزه دیگر حوزه شرقی - مرکزی است که در برگیرنده تربت جام، خوف و تایباد است. دامنه حوزه شمالی، به سمت جنوب به نیشابور و سبزوار و دامنه حوزه شرقی - مرکزی، به سمت غرب و جنوب به کاشمر می رسد. از آنجا که در حوزه شمالی بیشتر مهاجرین کرد و ترک ساکن اند، موسیقی و اشعار این منطقه بیشتر در قالب کردی و تا حدودی ترکی است. در حوزه شرقی - مرکزی، موسیقی و اشعار همگی فارسی است و از آهنگهای کردی و ترکی خبری نیست.

البته در این میان به آهنگهایی نیز برمی خوریم که نوازندگان هر دو منطقه آنها را اجرا می کنند. یکی از این آهنگها «نوبی» است که در موسیقی هر دو منطقه جزو مقامها و آهنگهای اصلی محسوب می شود.

دوتار نوازی در تربت جام، خوف و تایباد از روش و سبک واحدی تبعیت می کند، گرچه اختلافاتی را که در نحوه زدن مضراب، تحریرها و گویشها وجود دارد، نمی توان از نظر دور داشت. اغلب آهنگهایی که در این منطقه اجرا می شود، کلام دارد. دوتار در این منطقه

بیشتر در مراسم شادی استفاده می شود. استفاده از دوتار در این گونه مراسم همیشه به شکل انفرادی بوده است. به نوازنده دوتار در این منطقه «بخشی» نمی گویند، بلکه «اوسا» (اوستا) نامیده می شود. در مراسم سوگواری از دوتار استفاده نمی شود.

دوتار این منطقه دارای استاندارد خاصی از لحاظ اندازه نیست، دوتار در این منطقه دراصل دارای ۸-۷ پرده است که اخیراً با دوتارهای ۱۲-۱۳ پرده ای نیز می نوازند. بر روی دسته دوتار، گاه دو یا سه پرده برای ایجاد فواصل ثلث پرده بسته می شود.

کوکهای متداول دوتار در این منطقه معمولاً کوک چهارم و پنجم است. در کاشمر این کوکها رایج است:

۱. کوک چهارم، به نام کوک شیخ احمد جامی. برای اجرای مقام الله، چهار بیته و...

۲. کوک پنجم، برای اجرای آهنگهای اشترخجه صیاد.

۳. کوک دوم، به نام کوک کردی، برای اجرای ساختالی، الله مزار و...

۴. کوک اکتاو، به نام کوک مثنوی، برای اجرای آهنگ مثنوی کاشمری.

مبتکر این کوک نامآلوف ذوالفقار عسکری است. دوتارهای قدیمی از سازهای امروزی کوچکتر بوده است.

### سازهای رایج منطقه

سازهای رایج در این منطقه عبارتند از: دوتار، ساز (سورنا) دهل [به نوازندگان ساز و دهل در این منطقه دهل می گویند]، دو بوقه از جنس نی که مضاعف است و شبیه قشمه و دوزله است (دوبوقه استخوانی در این منطقه کمتر دیده می شود، در کاشمر این ساز از جنس استخوان است)، نی هفت بند و دایره که همراهی کننده دوتار و نی است. کمانچه در این منطقه وجود ندارد.

هنرمندان موسیقی تربت جام، خوف و تایباد

۱. محمد عثمان محمدپرست: محمد عثمان، فرزند دین محمد، ملقب به عثمان خوافی، نوازنده دوتار متولد ۱۳۰۷ در بخش رود خواف از طایفه «بای» که طایفه ای چادرنشین و دامدار بودند، است.

نواختن دوتار را از سیزده سالگی نزد خود آغاز کرد. عثمان در بداهه نوازی استاد است و این یکی از ویژگیهای ساز اوست. دوتار برای عثمان از احترام خاصی برخوردار است. او در هر مجلسی ساز زنده و نمی زند. ساز زدن برای او در حکم عبادت است و این ویژگی کار عثمان است. او عارفی است که طی سالیان طولانی از قبل از انقلاب، برخلاف شرایط و اوضاع مسلط، توانست حرمت ساز و حرمت موسیقی منطقه خود را حفظ کند. انطباق شعر متداول آهنگ نوایی (غمت در نهانخانه دل نشیند...) بر موسیقی آن، از عثمان خوافی است. او در این زمینه می گوید:

«آهنگ نوایی وجود داشت، اما معمولاً بدون کلام اجرا می شد. در دوران جوانی روزی هنگام بدرقه حجاج این شعر از زبان فردی ناشناس خوانده شد و من دیدم که این شعر با وزن و مضمون آهنگ «نوبی» انطباق دارد. من این شعر را همراه این آهنگ در سال ۱۳۴۰ برای اولین بار اجرا کردم. شعر آن احتمالاً با

از «طیب اصفهانی» یا از «عبدالرحمن جامی» و یا از «سیداحمد جامی» است.

عثمان دارای شش پسر و سه دختر است که هیچکدام ساز نمی نوازند. (ادبستان قبلاً گفتگویی با عثمان خوافی انجام داده و به چاپ رسانده است).

### موسیقی ترکمن صحرا

طوایفی از قوم ترکمن (اوغوزها) هزار و اندی سال پیش در منطقه ترکمن صحرای امروز سکنی گزیدند. امروزه در ترکمن صحرا تیره های مهمی چون یموت، گوگلان، نخورلی و سالور زندگی می کنند که تیره های کم نفوس تکه، مورجه لی، اژولوی را نیز باید به آنها اضافه کرد. اسلاف این تیره ها و طوایف از غرب چین و مغولستان به آسیا آمدند. اینها، خنیاگران دوره گرد به همراه خود داشتند که اوزان نامیده می شدند. اوزان ها زبان گویا و راوی رنجها و مشقتهای مردم خود بودند. اوزان ها که کارشان ریشه عمیقی در آئین شامانیزم داشت، نوعی پرخوانی (جادو پزشکی - موسیقی درمانی) می کردند و در شان قهرمانان ایل و پدرانشان حماسه ها می سرودند. آنها در میان مردم از احترام ویژه ای برخوردار بودند. اوزان ها را می توان خالق و پایه گذار تمامی آثار بنیادی موسیقی ترک زبانان دانست که یکی از انواع غنی موسیقی در نوع خود است.

امروزه اخلاف اوزان ها را در ترکمن صحرا با عنوان باغشی (بخشی) می شناسیم. که شاید ریشه در کلمه «بخشیدن» به معنی هبه کردن دارد. به اعتقاد مردم محل باغشی ها، پرخوانان یا جادو پزشکی هستند که از سوی حتمتالی نفسی گرم به ایشان بخشیده شده است. استاد بزرگ تنبور خراسان حاج حسین آقا، گفته است علت اطلاق این کلمه به موسیقیدانان اینست که بخشی از کرامات خدا در نفس اینها گذاشته شده است. اینها کسانی هستند که وجودشان وقف دیگران است و مردم را از وجود خود بهره مند می کنند. وقتی که متون تاریخی و ادبی ترکمن را بررسی می کنیم، می بینیم از حدود سیصد سال پیش نام بخشی ها در اشعار «مختم قلی» شاعر حماسی ترکمن صحرا آمده است. بخشی ترکمن در همه جا با ساز و آواز، تاریخ قوم خویش را می گوید. او آنگذر حرف از غمهای جانگناه دارد که شاید فرصتی برای شاد زیستن و آرام زیستن نمی یابد. شاید به همین دلیل است که رقص در میان قبایل ترکمن جای ویژه ای ندارد در حالی که در اغلب فرهنگهای یومی رقص بخشی از ادبیات شفاهی آنان را تشکیل می دهد و در برخی دیگر از فرهنگها از مهم ترین عوامل ابراز و ارائه آثار فرهنگی به شمار می رود.

بخشی ترکمن حتی در عروسی ها و مجالس شاد نیز سخن از زندگی و تاریخ حماسه بار خود می گوید، او حرف مردم خود را می سراید اما اگر شاد نمی گوید با غرور می گوید: استوار می گوید! در مضربها، زینتها، تحریرها و چرخشهای ملودی اولین چیزی که جلب نظر می کند، همین استواری است. حتی در حق هق های جانگداز بخشی که حکایت از اندوه غرورآمیز یک قوم دارد. شاید جای تعجب باشد که این موسیقی با این ویژگیها تنها در عروسی ها زنده مانده



استاد عثمان محمدپرست، از خواب خراسان، نوازندهٔ دوتار

### سازهای موسیقی ترکمن

دوتار: این ساز را از آن روی که بیشتر کاسه آن را از چوب درخت توت می‌سازند، توت تار و یا از آن روی که چوب را برای خشک کردن در تور می‌گذارند، تاندیره (= تامدیره - تاندیر در زبان ترکمنی به معنای تنور است) و به طریق اولی از آن روی که دارای دو سیم است، دوتارش می‌نامند. در قدیم تارهای دوتار از چلهٔ ابریشم تابیده می‌شد، اما امروزه از سیم استفاده می‌شود. کاسهٔ دوتار از چوب درخت توت نر، صفحه را از چوب درخت توت ماده و دسته را از چوب درخت زردآلو که سخت است می‌سازند.

کمانچه: کمانچهٔ ترکمنی دارای سه سیم است. اندازهٔ آن نیز از کمانچه‌های معمولی کوچکتر است. در گذشته، کاسهٔ کمانچه را از کدوی آبی، رویه‌اش را از پوست آهو و تارهای آرشهٔ آن را از موی پال یا دم اسب می‌ساختند، اما کمانچه‌های فعلی کاسه و دسته‌اش از چوب درخت توت است.

نی: نی در ترکمن صحرا سه نوع است: نی هفت بند، نی زبانه‌دار و جفت نی. بجز نی هفت بند، از دو نوع دیگر کمتر استفاده می‌شود و تقریباً منسوخ شده‌اند. نی ترکمنی دارای ۴-۵ سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت است.

### هنرمندان موسیقی ترکمن صحرا

۱. نظری محجوبی: نظری محجوبی شاگرد عاشور بخشی است. نام پدرش اورکوت است و به سال ۱۳۰۸ در نزدیکی روستای کوللیجه از توابع بخش مرزی داشلی برون در محلی به نام چای گچر. بانی و باعث رویکرد او به موسیقی در ابتدا دوست پدرش قره بخشی بود که در سن ۱۱ سالگی او را به مدت یک سال تعلیم داد و سپس او را همراه خود به محافل و مجالس برد. نفر دوم کمانچه نوازی بود به نام قلیچ جان غیجاقچی، سپس استادانی چون عاشور بخشی، چالمان، وه لیم کو و محمد قربان غایبی سز را به خود دید.

او به هر چهار دستگاه و هر چهار سبک آشنایی کامل دارد. او درست پنجاه سال است که خوانندگی و

است. تداوم این موسیقی از طریق مجالس عروسی با وجود تضاد و تفاوت ظاهری میان محتوای آن و مراسم عروسی، خود نشان دهندهٔ ویژگی و پیچیدگی خاصی است که در فرهنگ و سنن ترکمن موجود است.

موسیقی و فرهنگ ترکمن با به پای مردم آن، از قدیم و بخصوص چند دههٔ اخیر، مورد تاخت و تاز و دستبرد زمانه بوده است. در چند دههٔ اخیر، وسایل ارتباط جمعی به جای اینکه موجبات ضبط و ثبت، تشویق و تکامل این موسیقی را فراهم آورند، باعث کاسته شدن از اهمیت خاص بخشی‌ها شده‌اند و بخشی‌ها که زمانی در میان مردم خویش از احترام ویژه‌ای برخوردار بودند، از نظر وضع مالی و روحی چنان در مضیقه و تنگنا قرار گرفتند که تن به اسارت آلودگی‌هایی دادند تا فرومایگان و کج اندیشان به تمامی آنها به چشم ولگردانی نگریستند که برای به دست آوردن لقمه نانی حاضر بودند به هر خفتی تن دردهند!

اما در سالهای گذشته، موسیقی ترکمنی حیاتی دوباره یافته است و علاوه بر خوانندگان و نوازندگان معدود و معلول پیشین، گروه‌های جوان و جدیدی از خوانندگان و نوازندگان روی کار آمده‌اند.

موسیقی ترکمنی طی تاریخ پرفراز و نشیب خود استادان بزرگی چون: چادوتر، چالمان، وه لیم کو، عاشور یولما، قلیچ جان، غیجاقچی، غارادلی، گوگلان و... را به خود دیده است.

موسیقی سنتی ترکمنی در چهار دستگاه مخمس، تشنید (تجنیس)، نوایی و غزریق لار اجرا می‌شود.

مقام‌ها و آهنگهایی که در این چهار دستگاه شناخته شده و اجرا می‌شوند، تعدادشان در حدود ۵۰۰ است. این آهنگها که اغلب آنها هنوز بدون کلام اجرا می‌شوند، در چهار سبک ویژه و جدا از یکدیگر نواخته می‌شوند: ۱- گرگان یولی (ارقاج) ۲- خیره یولی ۳- ماری یولی (سبک مرو) ۴- دامانایولی. امروزه بیشتر بخشی‌ها هر چهار سبک را اجرا می‌کنند. هر کدام از این چهار سبک جذابیتهای مخصوص به خود دارد.

نوازندگی می‌کند. شغل اصلی او خوانندگی و نوازندگی است در کنار آن نیز اندکی به کشاورزی و دامداری می‌پردازد. محل زندگیش روستای چای غوشان از توابع شهرستان گنبد قابوس است. او تاکنون در همهٔ نقاط ترکمن صحرا، تهران و نیز فستیوال آوینیون فرانسه به ارائه اصیل‌ترین نغمات موسیقی ترکمنی پرداخته است.

۲. جمعه قلی قربانی پور: نی نواز و ۴۶ ساله است و در روستای پاشای بخش کلالة متولد شده است. او بیست و دو سال سابقهٔ نی نوازی دارد. وی مدتی نزد نی نواز قدیمی، مرحوم قرباندری عیدی و نیز قربان محمدخانی آموزش دیده است. او دستگاههای مخمس، تشنیه و نوایی را در سبک ارقاج (گرگان یولی) به خوبی اجرا می‌کند. اگرچه او زمانی از راه نی نوازی امرار معاش می‌کرد، ولی اکنون به علت کم اهمیت شدن نی نوازی از طریق کشاورزی و تعمیرات امرار معاش می‌کند. او تاکنون در جشنواره‌های بسیاری از جمله جشنوارهٔ آوینیون شرکت کرده است.

۳. طواق محمد قرینجیک: نوازندهٔ کمانچه، متولد ۱۳۲۸ در گنبد است. او ۱۸ سال سابقهٔ نوازندگی دارد. استاد او مرحوم تادشان و اراز کلتبه بوده که وی هم اکنون در حیات است. طواق محمد در حال حاضر با نظری محجوبی کار می‌کند. غیر از نوازندگی کمانچه، به کار تعمیرات رادیو و تلویزیون نیز مشغول است.

۱) تاریخ بلوچستان، به زبان اردو، نوشتهٔ گلخان نصیر